



# تحلیل مقررات حاکم بر ادله اثبات دعوی و مدیریت دادرسی در قوانین ایران

رضا یوسفزاده<sup>۱</sup>  
علی زارع<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۵/۱۵

## چکیده

مقررات حاکم بر ادله اثبات دعوی و مدیریت دادرسی، به عنوان یکی از مهمترین بخش‌های حقوقی، برای اجرای عدالت و حفظ حقوق اشخاص بسیار اهمیت دارد. این مقررات توسط قانونگذار به منظور تضمین حقوق و تعهدات اشخاص ارائه شده‌اند و باید به دقت و با رعایت اصول حقوقی و عدالت، اجرا شوند. اقسام دلایل در قانون آیین دادرسی مدنی شامل دلایل از پیش فراهم شده اتفاقی، دلایل قانونی و اخلاقی، دلایل مستقیم و غیر مستقیم است. طبق قانون آیین دادرسی مدنی کاربرد دلیل به جهت اثبات دعوی توسط مدعی یا دفاع از دعوی توسط مدعی علیه به معنای اخص است. قواعدی که برای اثبات دعوی در وقایع خارجی همچون نسب به کار می‌رود با قواعدی که برای اثبات عقود، ایقاعات و تعهدات به کار می‌رود متفاوت می‌باشد. در مورد اول (وقایع خارجی) تابع قانونی می‌باشد که در زمان اقامه دعوی مجری می‌باشد و در مورد دوم اصولاً تابع زمان انعقاد می‌باشد، مگر قانون زمان انعقاد در هنگام طرح دعوی از ادله شرعیه ای باشد که مجری نیست یا خلاف آن در قانون تصریح شده باشد. اطلاعات دادرسی شامل اطلاعات قانونی (حکمی) و اطلاعات واقعی (موضوعی) می‌شود که هر کدام در نظام خاص ترافعی و تصالحي قرار می‌گیرد. مدیریت این اطلاعات بر عهده دادرسی می‌باشد.

## کلید واژه‌ها

ادله اثبات دعوی، مدیریت دادرسی، دلایل دادرسی، دادرسی عادلانه.

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Reza\_lawman@yahoo.com

<sup>۲</sup> عضو هیئت علمی و استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده

مسئول): dr.alizare@gmail.com

## مقدمه

مدیریت اطلاعات و دلایل دادرسی یکی از جنبه‌های پراهمیت در فرآیند دادرسی است که تأثیر بسزایی بر نتیجه نهایی پرونده‌های حقوقی دارد. این مدیریت، به دو زمینه اصلی اطلاعات دادرسی و دلایل دادرسی تقسیم می‌شود که هر کدام در جهت تأمین کشف حقیقت، تضمین عدالت و بهبود فرآیندهای قضایی مؤثر هستند. در این راستا، اطلاعات دادرسی شامل دو نوع اطلاعات قانونی و واقعی است که هر یک نقش مهم و تأثیرگذار خود را در فرآیندهای حقوقی دارند. از سوی دیگر، مدیریت دلایل دادرسی به منظور اثبات دعوا، تأمین کشف حقیقت و بهبود سیستم حقوقی انجام می‌شود. با توجه به اهمیت قاعده بهترین دلیل در حقوق، انتخاب و استفاده از بهترین دلیل برای اثبات دعوا و تصمیم‌گیری قضایی بسیار حائز اهمیت است. با توجه به این نکات، مدیریت اطلاعات و دلایل دادرسی با هدف تضمین کشف حقیقت، حفظ منافع عمومی و بهبود فرآیندهای حقوقی انجام می‌شود. این روندها و فعالیت‌ها به منظور افزایش شفافیت، عدالت و کارایی در ساماندهی پرونده‌های حقوقی، از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردارند.

مقررات مربوط به ادله اثبات دعوی در حقوق ایران به دو بخش ماهوی و شکلی تقسیم شده است. مقررات ماهوی در قانون مدنی بررسی شده و مقررات شکلی در قانون آیین دادرسی مدنی. در قانون آیین دادرسی مدنی، زمان ارایه و استناد به ادله، شیوه بکارگیری آنها، شیوه رسیدگی به آنها، دفاع در برابر آنها آورده شده است. و در قانون مدنی تعریف، شرایط و توان اثباتی (شمس، ۱۳۹۲: ۱۸) در دو گفتار ذیل به بررسی ادلح اثبات دعوی در هر دو قانون مدنی و قانون آیین دادرسی مدنی به طور مجزا خواهیم پرداخت (شمس، ۱۳۹۲: ۱۹).

## ۱- ادله اثبات دعوی در قانون مدنی

قانون مدنی در مواد ۱۲۵۷ تا ۱۳۳۵ تحت عنوان (( در ادله اثبات دعوا)) دلایل اثبات دعوا را احصا و از اقرار، اسنادکتبی، شهادت، امارات، قسم نامبرده است.

### ۱-۱- بار اثبات دعوا

طبق ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی هر کس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند و مدعی علیه هرگاه در مقام دفاع، مدعی امری شود که محتاج به دلیل باشد، اثبات امر بر عهده اوست. طبق قاعده فقهی ((البینه علی المدعی)) بار اثبات دعوی در امور مدنی و تجاری بر دوش مدعی است در حالی که در امور جزایی دادستان نقش مهمی در اثبات قضیه از باب مدعی العموم را عهده دار است. قاعده بین‌المللی وجود دارد که هر امر وجودی محتاج به دلیل است و برای امر عدمی نیازی به دلیل نیست ماده ۱۲۵۷ نیز از مصادیق همین قاعده است، به دیگر سخن اثبات سبب یا اسباب وجود حق با مدعی است.

تلاش مدعی جهت اثبات حق مانع از تلاش مدعی علیه جهت دفع و رفع آن نیست، در صورتی که دعوا منقلب شود یعنی مدعی علیه، ادعایی را مطرح کند بار اثبات دعوی بر عهده خودش است. طرفی که ادعایش موافق اصل است نیاز به اثبات ندارد. اصولاً امر عدمی قابل اثبات نمی باشد مگر اینکه علت وجودی داشته باشد و البته اینکه امر عدمی به وسیله امر وجودی قابل اثبات نیست بلکه به صورت امور عدم جزئی و مقید یا عدم خاص قابل اثبات است (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۴۲).

ادله و ابزار اثبات دعوی در قانون مدنی هم شامل اشخاص حقیقی می شود هم حقوقی و لفظ ((کس)) در ابتدای ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی مطلق است.

همانطور که مستحضر هستید اثبات یک ادعا مشروط بر این است که مدعی نفعی معقول و قابل اعتنا داشته باشد

اصولاً تکلیف اثبات مسایل موضوعی با بکارگیری ادله و ابزار اثبات دعوا بر عهده مدعی آن و تکلیف اثبات مسایل حکمی بر عهده قاضی است.

### ۱-۲-۲- برخی دلایل ویژه مثبت حق در دعاوی حقوقی

ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی: دلایل اثبات دعوی از قرار ذیل است:

۱. اقرار ۲. اسناد کتبی ۳. شهادت ۴. امارات ۵. قسم

### ۱-۲-۱- اقرار

طبق قانون مدنی اقرار عبارت است از اخبار به حقی برای غیر بر ضرر خود این تعریف از فقه اقتباس شده است. اخبار به معنای اعلام امری است که به سبب دیگر واقع شده و نقطه مقابل آن انشا به معنی ایجاد است. انشا چون قابل تصدیق یا تکذیب است ممکن است نافذ یا غیرنافذ باشد ولی در اخبار بحث درباره راست و دروغ مقر و انطباق آن با واقع است نتیجه این تفکیک این است که اقرار را نباید در زمره اعمال حقوقی آورد زیرا عمل حقوقی به آن دسته از اعمال ارادی گفته می شود که اثر آن انشا باشد (صالح احمدی، ۱۳۹۴: ۸۷).

عناصر اقرار: وجود حق، اخبار، برای غیر بودن، به ضرر خود بودن است. بنابراین عناصر، اقرار و اظهاری که به نفع غیر و به ضرر غیر و یا به نفع خود و به ضرر غیر باشد، از دایره شمول اقرار خارج است.

ارزش اقرار به عنوان دلیل از آن جهت است که هرگاه شخص عاقل به زیان خود و به سود دیگری چیزی اظهار کند، آن امر معمولاً درست و مطابق واقع است و در مقابل اگر اقرار به ضرر دیگری باشد ادعایی بیش نیست و از آن جهت که به زیان غیر است نمی تواند اثری داشته باشد. اقرار در واقع راه

وصول به واقع است و ایجاد کننده حقی نیست. در اقرار قصد نتیجه شرط نیست و لزومی ندارد که مقر به قصد اعتراف به حق مدعی و به زبان خود سخنی بگوید.

اقرار هم به طور لفظی و هم به صورت نوشته قابل پذیرش است و از حیث ادا و اتیان دارای تشریفات خاصی نبوده و الفاظ به کار رفته حصری نبوده و همچنین می‌تواند به زبانی غیر از زبان فارسی یا اینکه حتی به زبان‌های محلی باشد. اصولاً سکوت در مقابل ادعا اقرار تلقی نمی‌شود مگر آنکه اوضاع و احوال قطعی دلالت بر آن کند. کسی که قدرت بر تکلم ندارد اشاره او که صراحت بر مقصود داشته باشد علیه او دلالت خواهد داشت. در مورد اقرار ضمنی اگر رابطه منطقی میان آنچه واقع شده و اقرار بدیهی باشد دادگاه چاره‌ای جز پذیرش ندارد مانند زمانی که کسی مدعی فسخ بیعی شود که در واقع با این ادعا به وقوع آن بیع اعتراف کرده است.

طبق ماده ۱۲۶۲ قانون مدنی مقر باید اهلیت داشته باشد طبق قاعده فقهی ((من ملک شیئا ملک الاقرار)) هرکس اختیار انجام کاری را دارد اختیار اقرار به آن را نیز دارد در نتیجه اهلیت مقر لازم است و ضروری اما در مورد مقرله اهلیت تصرف شرط نیست مگر اینکه قصد استیلا بر حقی را داشته باشد که بر حسب قانون اهلیت تصرف آن را دارد که در این صورت باید اهلیت تصرف داشته باشد. طبق ماده ۱۲۶۷ قانون مدنی حق اثبات شده ناشی از اقرار دیگری به نفع متوفی به ورثه او منتقل می‌شود و قابلیت استناد را داراست. از احکام ضروری اسلام این است که وقتی شخص بر ضرر خود اقرار به امری می‌کند عهده دار آن خواهد بود در حقوق خصوصی اقرار دارای ارزش و اعتبار مطلق است بر خلاف حقوق کیفری که ممکن است بنا بر اوضاع و احوال اقرار پذیرش آن منوط به نظر قاضی باشد (صالح احمدی، ۱۳۹۴: ۹۲).

### ۱-۲-۲- اسناد کتبی

طبق ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد. منظور از نوشته خط یا علامتی است که در روی صفحه آشکار باشد خواه از خطوط متداول باشد یا غیرمتداول برای مثال رمزها و علامت‌هایی که افراد برای روابط بین خود قرار داده‌اند.

نوشته اصولاً در صورتی اصطلاحاً سند نامیده می‌شود که دارای امضا یا اثر انگشت یا مهر شخصی باشد که سند به او منتسب است. نوشته را در صورتی می‌توان سند محسوب کرد که بتواند در دادرسی دلیل قرار گیرد.

هدف از تنظیم سند امکان استناد کردن به آن است. لزوم امضا در سند در ماده ۱۲۸۴ ذکر نشده اما طبق اصول حقوقی و عرف مسلم این رکن سند قابل برداشت است. یعنی علاوه بر دو رکن مذکور در ماده ۱۲۸۴: نوشته و قابلیت استناد در مقام دعوی یا دفاع، امضا نیز اصولاً در اسناد نیاز است مگر پاره‌ای از اسناد که در این موارد دلالت عرف بر تصمیم نهایی تنظیم کننده جای نشان ویژه امضا را خواهد گرفت.

اگر وجود یک نوشته از نظر قانون لازم باشد، داده پیام در حکم نوشته اس مگر در موارد زیر:

۱. اسناد مالکیت اموال غیرمنقول ۲. فروش مواد دارویی به مصرف کنندگان نهایی ۳. اعلام، اخطار یا علایم مشابهی که برای استفاده از یک کالا یا بکارگیری روش خاصی را توصیه یا منع می کند.

نوشته‌ای که در اثبات اعمال حقوقی استفاده می شود در حالتی سند است که به وسیله اشخاصی که در ایجاد آنها اثر دارند تنظیم شود در نتیجه اگر کسانی که در وقوع آن عمل دخالت نداشتند اطلاعات خود را نگارش کنند آن سند شهادتنامه است نه سند که طبق ماده ۱۲۵۸ شهادتنامه سند محسوب نمی شود (امامی، ۱۳۹۴: ۳۴).

اسناد از جهت اعتبار و قدرت اجرایی و تشریفات تنظیم، به دو گروه رسمی و عادی تقسیم می شود. قانون مدنی ضابطه تشخیص اسناد عادی از اسناد رسمی را مشخص نکرده است فقط در ماده ۱۲۸۹ ذکر کرده غیر از اسناد مذکور در ماده ۱۲۸۷ سایر اسناد عادی است

تفاوت اسناد رسمی از عادی زمانی مشخص می شود که قانونگذار در اهمیت و کیفیت میزان اعتباری که برای این دو نوع سند گذاشته تفاوت قایل شده است. به طور مثال در ماده ۳ قانون روابط موجر و مستاجر آمده: پس از انقضای مدت اجاره بنا به تقاضای موجر یا قایم مقام قانونی وی تخلیه عین مستاجر در اجاره با سند رسمی توسط دوایر اجرای ثبت و در اجاره با اسناد عادی ظرف یک هفته پس از تقدیم دادخواست تخلیه به دستور مقام قضایی در مرجع قضایی و توسط ضابطین قوه قضاییه. (شمس، ۱۳۹۲: ۱۲۹)

در هنگام استناد به سند باید عدم مخالفت آن با قوانین احراز شود. رسمی بودن سند در ارزش و اعتبار عمل حقوقی موضوع آن اثر ندارد.

قانونگذار در ماده ۱۲۹۰ قانون مدنی متذکر شده اصولاً خود اسناد رسمی از حیث آثار حقوقی قابل تسری به اشخاص ثالث نیستند زیرا این امر خلاف اصل است و اعتبار اسناد نسبت به اشخاص ثالث به تصریح قانونگذار منوط شده است به طور مثال ماده ۱۹۶ قانون مدنی در مورد تعهد به نفع ثالث.

لازم به ذکر است که این ماده در مورد محتوای سند می باشد نه اعتبار اثباتی خود سند. مطابق ماده ۱۲۹۱ قانون مدنی هرگاه شخصی که سند عادی به زیان او ابراز شده، انتساب آن را تصدیق کند یا اصالت آن سند در دادگاه اثبات شود اعتبار سند رسمی را پیدا می کند.

نسبت به سند رسمی فقط ادعای جعل پذیرفته می شود حال اگر مدعی نتواند جعلی بودن را اثبات کند هم به پرداخت مخارج محاکمه محکوم می شود و هم به عنوان مفتری قابل تعقیب قرار می گیرد. قانونگذار در ماده ۱۲۹۳ قانون مدنی سند رسمی که توسط مامور رسمی غیرصلاحیت دار تنظیم شده و از طرف منقاضی به مهر یا امضا رسیده باشد را سند عادی می داند تصریح قانونگذار از آن جهت است که این تصور نشود به واسطه خلاف مقرراتی که در آنها روی داده، سند باطل است. (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۴۰)

بعضی از اسناد عادی هستند که باید بر روی آن حق تمبر باشد مثل سفته طبق تصریح قانونگذار در ماده ۱۲۹۴ قانون مدنی عدم رعایت تشریفات مربوط به حق تمبر آن را از قابل استناد بودن خارج نمی کند هرچند ممکن است این عدم رعایت آثار دیگری داشته باشد.

احکام تنظیم شده در خارج از کشور با احراز شرایطی همان اعتباری را خواهند داشت که در کشور محل تنظیم برای آن در نظر گرفته شده است. منظور از اسناد تنظیمی در خارج ایران اسنادی است که توسط غیر مامورین کشور ایران تنظیم شده است و گر نه اسنادی که توسط مامورین رسمی کشور ایران در خارج از ایران در حدود صلاحیت آنها طبق مقررات تنظیم می شود رسمی است.

اگر موافقت این اسناد توسط نماینده سیاسی یا کنسولی خارجه در ایران تصدیق شود، قبول این سند در محاکم ایران منوط به تصدیق امضای نماینده خارجه است. (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۹۹)

اعتبار دفاتر بازرگانی در دعاوی تجاری تاجر علیه تاجر دیگر منوط به این است که دفتر مزبور مطابق قانون تجارت تنظیم شده باشد. دفاتر تجاری در زمره اسناد عادی است. موارد ذکر شده در صورتی است که تاجر بخواهد دفاتر خود را به عنوان دلیلی به سود خود ابراز کند.

دفاتر تاجر در هر صورت به زیان او قابل استناد است. در صورت استناد طرف مقابل به دفتر تاجر، نداشتن دفتر نمی تواند عذر موجهی باشد. همچنین کسی که به دفتر تجارتی استناد می کند نمی تواند مندرجات دفتر را به سود خود تجزیه کند.

طبق ماده ۱۳۰۱ قانون مدنی امضایی که در روی نوشته یا سندی باشد بر ضرر امضا کننده دلیل است زیرا اصولاً هیچ انسان ذی شعوری سند یا نوشته ای را بدون قصد و آگاهی امضا نمی کند.

آنچه در ظاهر یا حاشیه سند به عنوان دلیلی برای بطلان سند باشد معتبر است مگر اینکه ثابت شود این نوشته ها به جهتی از جهات اعتبار ندارد.

ممکن است امضای تعهدی در خود تعهد نامه ذکر نشده باشد و در نوشته دیگری آمده باشد در این صورت زمانی بر علیه امضا کننده دلیل است که در نوشته مصرح شده باشد که به کدام تعهد یا معامله مربوط است.

یکی دیگر از وجوه افتراق اسناد رسمی و عادی در این است که تاریخ تنظیم سند رسمی حتی بر علیه ثالث نیز قابل استناد است اما تاریخ تنظیم سند عادی فقط علیه طرفین، ورثه و کسی که به نفع او وصیت شده معتبر است. (شمس، ۱۳۹۴: ۱۷۵)

### ۱-۲-۳- شهادت

شهادت اصطلاحاً به معنی اخبار از وقوع امور محسوس به یکی از حواس است.

شهادت تاب مقابله با سند رسمی یا سندی که در محکمه اعتبار آن ثابت شده است را ندارد. قلمرو این امر محدود به مفاد مندرجات سند رسمی می باشد و در هر صورت نسبت به هر موضوعی که به مفاد

سند ارتباط ندارد اثبات دعوا تابع قواعد عمومی است. به طور مثال اگر در مورد معامله‌ای ادعا شود که یکی از طرفین مرتکب تدلیس شده است طبق قواعد عمومی دعوا این امر با شهادت نیز قابل اثبات است. همچنین است در صورتی که ادعای اشتباه یا اکراه می‌شود. شهادت اطفالی که به سن ۱۵ تمام نرسیده اند به عنوان مزید اطلاع قابل استماع است و در این مورد فرقی بین جنس ذکور و اناث نمی‌شود.

#### شرایط شهادت

(الف) از روی قطع و یقین باشد: منظور یقین شخصی می‌باشد و دادرس در مقام ارزیابی ادله آن را بررسی می‌کند.

(ب) باید مطابق با دعوا باشد: اینکه در لفظ مخالف و در معنا موافق یا کمتر از ادعا باشد ضرری ندارد.

اگر ادعا ادای دین و شهادت ابرا دین باشد شهادت مطابق با دعوا نیست و قابل قبول نمی‌باشد.

(ج) باید مفادا متحد باشد مگر اختلافی باشد که از آن قدر متقینی حاصل شود: به طور مثال اگر یکی از شهود شهادت دهد فلان مال غصب شده است و دیگری بگوید به زور گرفته شده است گرچه

لفظا متفاوتند ولی چون معنای واحدی دارند قابل پذیرش است.

(د) اختلاف در خصوصیات امر اگر باعث اختلاف در موضوع شهادت نباشد بلامانع است: یعنی

اختلافی نباشد که به اتحاد موضوع صدمه بزند به طور مثال اگر یکی به سارق جامه سیاه و

دیگری به جامه سفید شهادت دهد، شهادت قابل قبول نیست.

(ه) عدم رجوع از شهادت یا عدم اثبات خلاف واقع بودن شهادت.

(و) شهادت بر شهادتی باشد که شاهد اصل فوت یا به عللی مثل بیماری و... نتواند حاضر شود: گواه

فرع باید اهلیت داشته باشد و نام گواه اصل را ذکر کند.

#### ۱-۲-۴- امارات

طبق ماده ۱۳۲۱ قانون مدنی: اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته شود.

امارات دلیل ظنی محسوب می‌شود، زیرا اندازه دلالت آن ظنی است که دادرس می‌تواند آن را در قالب امارات قانونی یا قضایی احراز کند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۷۰)

اعتبار اماره کمتر از سایر دلایل است. اماره قضایی به دلیل ظنی بود اماره قانونی بر آن مرجح است.

نمونه‌ای از امارات قانونی: اماره تصرف در ماده ۳۵ قانون مدنی.

داده‌های حاصل از معاینه محل و تحقیق محلی نیز اماره قضایی محسوب می‌شود.

در نظاماتی که اعتبار شهادت و اماره در آن به طور محدود پذیرفته شده است اماره قانونی قابل

پذیرش است زیرا طبق ماده ۱۳۲۳ قانون مدنی امارات قانونی در دعوی که به شهادت شهود نیز قابل

اثبات نیست معتبر است.

### ۱-۲-۵- قسم

قسم، گواه قرار دادن خداوند بر صحت گفتار قسم خورنده است. قسم تمیز حق را عملی و دعوی را ساقط می‌کند. قسم حق مدعی و منوط به درخواست ذی نفع است.

در دعاوی که با شهادت شهود قابل اثبات است مدعی می‌تواند حکم به دعوی خود را که مدعی علیه انکار می‌کند منوط به قسم کند. مدعی علیه نیز می‌تواند در دعاوی که ادعا سقوط دین یا تعهد یا نحو آن باشد حکم به دعوی را منوط به قسم مدعی کند.

تقاضای قسم منوط به این است که عمل یا موضوع دعوی منتسب به شخص طرف باشد نتیجتاً در دعاوی بر صغیر و مخنون نمی‌توان قسم را بر ولی یا وصی یا قیم متوجه کرد مگر در اعمال صادره از شخص آنها و آنهم تا زمانی که به ولایت یا وصایت یا قیمومت باقی هستند.

کسی که قسم متوجه اوست یا باید بطلان دعوا را ثابت کند یا باید قسم یاد کند یا قسم را به طرف مقابل رد کند در غیر این حالات با قسم مدعی، طرف مقابل نسب به ادعایی که برای آن قسم مطرح شده محکوم می‌گردد.

نظر به اهمیت دعوا و شخصیت طرفین، قسم قابل تغلیظ است و ادای قسم بدون قبول و رعایت تغلیظ توسط قسم خورده، به معنای نکول نیست. (شمس، ۱۳۹۲: ۶۵)

قسم کسی قابل قبول است که اقرارش نیز نافذ باشد تقاضای قسم قابل توکیل است بر خلاف خود قسم.

قسم قاطع دعوا می‌باشد و دعوا را به طور کلی پایان می‌دهد مگر اینکه قسم خورنده از آن رجوع یا آن را تکذیب کند.

اعتبار قسم فقط نسبت به طرفین دعوا و قایم مقام آنهاست. در دعوی بر متوفی به استثنای دعاوی که مدرک آن سند رسمی است اگر اصل حق ثابت ولی بقای آن ثابت نباشد مدعی باید بر بقای آن قسم یاد کند و این قسم قابل رد نیست. این قسم، استظهاری نامیده می‌شود و فقط در مورد تردید بر بقای حق متوفی یاد می‌شود.

در دعاوی مدنی توسل به قسم زمانی ممکن است که دعوی بوسیله سایر ادله اثبات نشده باشد. این حکم شامل سایر دعاوی حقوقی من جمله دعاوی بازرگانی نمی‌شود.

### ۲- ادله اثبات دعوی در قانون آیین دادرسی مدنی

طبق قانون آیین دادرسی مدنی کاربرد دلیل به جهت اثبات دعوی توسط مدعی یا دفاع از دعوی توسط مدعی علیه به معنای اخص است. قواعدی که برای اثبات دعوی در وقایع خارجی همچون نسب به کار



می‌رود با قواعدی که برای اثبات عقود، ایقاعات و تعهدات به کار می‌رود متفاوت می‌باشد. در مورد اول (وقایع خارجی) تابع قانونی می‌باشد که در زمان اقامه دعوی مجری می‌باشد و در مورد دوم اصولاً تابع زمان انعقاد می‌باشد مگر قانون زمان انعقاد در هنگام طرح دعوی از ادله شرعیه‌ای باشد که مجری نیست یا خلاف آن در قانون تصریح شده باشد.

## ۲-۱- اقسام دلایل

دلیل در حقوق ایران از یک منظر به اقسام متعددی تقسیم می‌گردد.

### ۲-۱-۱- دلایل از از پیش فراهم شده و اتفاقی

دلیل از پیش فراهم شده همانطور که از نامش پیداست دلیلی می‌باشد که طرف دعوی قبل از ایجاد اختلاف آن را برای خود ایجاد کرده و دلیل اتفاقی به دلیلی می‌گویند که به طور اتفاقی در هنگام ایجاد اختلاف وجود داشته یا پس از ایجاد آن بوجود آمده است. دلیل از پیش فراهم شده مانند گواهایی که طرفین قراردادهای شفاهی در حضور آنها به توافق رسیده اند و دلیل اتفاقی مانند کارشناسی از مال خسارت دیده (شمس، ۱۳۹۴: ۵۵).

### ۲-۱-۲- قانونی و اخلاقی

در نظام اخلاقی ادله اثبات دعوی شمارش نشده و در عین حال برای بکارگیری ادله در دعاوی هیچ گونه محدودیت و استثنایی وجود ندارد. در این نظام مهم این است که دادرسی به اقناع وجدانی دست یابد و نحوه آن ملاک نیست. در نظام قانونی هم دلایل احصا شده و هم برای استناد به آن باید شرایط قانونی آن حاصل شده باشد. به طور مثال در ماده ۴۸ قانون ثبت، سند عادی توان اثباتی ندارد اما سند رسمی توان اثباتی دارد.

### ۲-۱-۳- مستقیم و غیرمستقیم

اگر اثبات امر مورد نظر در دعاوی، توسط دلیلی بی واسطه باشد آن دلیل مستقیم می‌باشد. مانند: سندی که پرداخت دینی را اثبات می‌کند (شمس، ۱۳۹۲: ۱۴۳) و اگر اثبات امر توسط دلیلی به طور غیر مستقیم باشد حتی اگر به صورت دلالت التزامی باشد دلیل غیرمستقیم نامیده می‌شود مانند: اماره مالکیت.

ادله اثبات دعوی در قانون آیین دادرسی مدنی:

اقرار، اسناد، گواهی، معاینه محلی و تحقیق، رجوع به کارشناس، سوگند.

## الف - اقرار

اقرار کامل ترین ادله اثبات حق محسوب می شود به همین جهت ماده ۲۰۲ قانون آیین دادرسی مدنی اقرار به امر را در صورتی که دلیل ذی حق بودن طرف او باشد، کافی می داند و مدعی را از استناد به دلایل دیگر بی نیاز می کند. با وجود این گاه رسیدگی به دلایل دیگر ضروری می شود و نتایجی به بار می آورد که اقرار را تکمیل یا تعدیل یا تصریح می کند. (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۳۴).

ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی اقرار را از حیث مکانی به اقرار در دادگاه (قضایی) و اقرار در خارج از دادگاه (غیرقضایی) تقسیم می کند. این تقسیم بندی تغییری در ماهیت اقرار ایجاد نمی کند فقط اقرار در خارج از دادگاه، اقرار را از حالت رسمیت خارج می کند و به ذی حق، حق استفاده از تردید و انکار را خواهد داد.

منظور از اقرار در دادگاه اقراری است که در همان دادرسی صورت گرفته نه اقراری که در پرونده های دیگر صورت گرفته باشد و مورد استناد ذی حق قرار گرفته است. اقرار خارج از دادگاه در صورتی که اثبات شود ارزشی برابر با اقرار در دادگاه دارد و این اقرار با هر دلیلی قابل اثبات است مگر ادله ظنیه، زیرا اقرار خود ادله قطعی می باشد بنابراین پر واضح است که ادله ظنیه ای چون امارات تاب اثبات ادله قطعی را نخواهد داشت.

ماده ۲۰۴ اقرار را از حیث تشریفات ادا به شفاهی و کتبی تقسیم کرده است و استفاده از اقرار شفاهی در دادگاه را منوط به درخواست ذی حق مبنی بر صورت مجلس کردن آن دانسته است. در صورتی که احکام دادگاه مستند به اقرار باشد، بر اساس بند ۱ ماده ۱۲ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸/۰۷/۰۱ اقرار شفاهی در صورت مجلس قید و به امضا مقرر می رسد و چنین احکامی قطعی و در سایر موارد قابل تجدیدنظر است (صالح احمدی، ۱۳۹۴: ۹۰).

ماده ۲۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی برای صحت اقرار محدودیتی قایل شده و اقرار در اموری که قاطع دعوی می باشد را از سوی وکیل علیه موکل نپذیرفته است. از دیدگاه بسیاری از اندیشمندان حقوقی این ماده برخلاف اصول مسلم حقوقی است زیرا اخبار به وجود حق به نفع دیگری و به ضرر شخصی دیگر ماهیتاً اقرار محسوب نمی شود که بخواهد نیاز به اختصاص ماده ای در مبحث اقرار داشته باشد. هر امری که مباشرت شخص در آن منظور قانون نباشد آن شخص می تواند به وسیله دیگری آن را انجام دهد، اقرار نیز در زمره همین امور است نتیجتاً می تواند کسی به دیگری وکالت دهد که به زیان او و به نفع دیگری اقرار نماید. (امامی، ۱۳۹۴: ۷۷).

## ب - اسناد

در مورد تشریفات رسیدگی به صحت و اعتبار اسناد ارایه شده در دعوی، می تواند در دادگاه (جلسه دادرسی) یا بنا بر ضرورت در محلی باشد که اسناد در آنجا وجود دارد.

در مورد عدم امکان استرداد یا نادیده گرفتن سند علیه ابراز کننده در دادگاه، هم شامل ابراز اصل سند می‌باشد هم شامل ابراز فتوکپی مصدق. ظاهر ماده ۲۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی عدم استرداد را منوط به به ذی نفع بودن طرف مقابل و استناد کردن او می‌باشد هر چند که عبارت استناد طرف مقابل اضافی می‌باشد و دلیل همین که مورد استناد واقع شد دادگاه نفی یا اثباتا در خصوص آن رسیدگی خواهد کرد.

رجوع به سند دیگری در حالی در این قانون آمده که هم شامل اسناد عادی می‌شود هم اسناد رسمی و در عین حال در دادرسی و تصمیمات دادگاه واجد اثر باشد نتیجتاً اگر در سند ابرازی از یکی از طرفین به سند دیگری ارجاع شده که آن سند مربوط از ادله دادرسی باشد طرف دیگر حق مطالبه آن را خواهد داشت. ضمانت اجرای این ماده نیز این است که دادگاه می‌تواند عدم ابراز سند را از قرائن مثبت درخواست کننده ابراز سند بداند.

همچنین اگر شخصی به وجودی سندی در نزد خود اعتراف کند و با وجود درخواست طرف مقابل مبنی بر ابراز، از ابراز آن خودداری کند باز هم دادگاه این اختیار را دارد که آن را از جمله قرائن مثبت بداند. این حکم شامل اثبات وجود سند در نزد دیگری نیز می‌باشد و فقط مختص اعتراف نیست.

در استناد به دفتر بازرگانی، طرف مقابل باید آن را در دادگاه ابراز کند مگر ابراز آن در دادگاه ممکن نباشد که در این صورت شخصی از طرف دادگاه مأمور خارج نویسی کردن آن می‌شود. عذر بازرگان در نداشتن دفتر اصولاً پذیرفته شده نیست مگر اینکه ثابت نماید دفتر تلف شده یا فعلاً امکان دسترسی به دفتر وجود ندارد، در غیر این صورت باز هم دادگاه می‌تواند با بررسی اوضاع و احوال و شرایط آن را از قرائن مثبت اظهار طرف قرار دهد. باید خاطر نشان کرد با توجه به اینکه این امر در قانون آیین دادرسی مدنی از استثنایات می‌باشد باید آن را تفسیر مضیق کرد و قابل تسری به سایر دفاتر نمی‌باشد. مراد از قرائن مثبت این است که تشخیص صحت آن بر عهده دادگاه می‌باشد در نتیجه قرائن مثبت دال بر این است که تشخیص قاضی در این مورد از جمله امارات قضایی می‌باشد.

موارد ممنوع و نامقدور ابراز سند:

۱. مقدور نبودن به هر دلیلی
۲. ابراز تمام یا قسمتی از آن برخلاف نظم یا عفت عمومی یا مصالح عامه یا حیثیت اصحاب دعوا و دیگران باشد

اخذ رونوشت از سند یا اطلاع لازم در رابطه با اسناد دولتی منوط به درخواست یکی از اصحاب دعواست مشروط بر اینکه دادگاه آن را موثر در موضوع تشخیص دهد.

ارسال مستقیم اصول اسناد دولتی به به دادگاه منوط به دریافت دستور از سوی دادگاه است البته حکم مزبور شامل دفاتر جاری نمی‌شود و برای دفاتر جاری نیاز به خارج نویسی شدن همان قسمت مورد نظر دادگاه می‌باشد.

در طرح ادعا به استناد پرونده کیفری در صورتی که رجوع به آن پرونده از نظر دادگاه لازم باشد آن پرونده از دادگاه کیفری قابل مطالبه است و در عین حال دادگاه کیفری مورد نظر نیز مکلف به ارسال پرونده مورد نظر می‌باشد.

در طرح ادعا به استناد پرونده حقوقی، صرف استناد به آن پرونده از سوی درخواست کننده کافی است در این صورت دادگاه با دادن تقاضانامه‌ای به وی این اختیار را به او می‌دهد که با مراجعه به پرونده مزبور رونوشت موارد استنادی را اخذ کند در عین حال دادگاه می‌تواند در صورت لزوم خود به پرونده حقوقی استناد کند و آن را مورد ملاحظه قرار دهد.

ترتیب احکام منکر بر اظهارکننده انکار و تردید: انکار و تردید مختص اسناد غیر رسمی می‌باشد که منکر می‌تواند خط یا مهر یا امضا یا اثر انگشت منتسب به خود را انکار کند. تردید نیز عدم پذیرش موارد مذکور به منتسب الیه توسط شخص دیگری است. ادعای انکار و تردید نمی‌تواند فقط نسبت به قسمتی از سند باشد چون تردید و انکار در مورد عدم انتساب اصالت امضا، مهر، خط و اثر انگشت است پس نتیجتاً عدم انتساب قسمتی از آن موضوعیت ندارد. موعده قانونی جهت اظهار انکار و تردید تا اولین جلسه دادرسی می‌باشد. اگر در مقابل تردید یا انکار، ابراز کننده سند از استناد به آن منصرف شود مانع از رسیدگی به ادعای انکار و تردید نیست و دادگاه به اسناد و دلایل دیگر رجوع می‌کند.

ادعای جعلیت باید با ارایه دلیل باشد و همچنین هم نسبت به اسناد رسمی ممکن است هم اسناد عادی.

نسبت به سندی که موضوع ادعای جعل قرار گرفته است باید تعیین تکلیف شود و در صورتی که ادعای جعل آن ثابت نگردد به صاحب آن تحویل داده شود.

در رابطه با خط، مهر، امضا و اثر انگشت اسناد عادی که نسبت به آن انکار یا تردید یا ادعای جعل واقع شده است امکان تطبیق وجود ندارد حتی اگر صحت آن اثبات شده باشد اما در رابطه با اسناد رسمی هر گاه مورد ادعای جعل قرار بگیرند و حکم به صحت آنها داده شود امکان تطبیق وجود دارد. سند عادی که قبلاً در دعوی مورد استناد قرار نگرفته در صورتی می‌تواند اساس تطبیق قرار گیرد که منتسب علیه یا قبلاً به طریقی، به صحت خط یا ... آن اعتراف کرده باشد و یا با اساس تطبیق قرار گرفتن، آن صریحاً یا تلویحاً موافقت نماید. (شمس، ۱۳۹۲: ۲۳۰)

دعوت موضوع استکتاب یا اخذ اثر انگشت یا تصدیق مهر از کسی که سند به او نسبت داده شده است اگر در قید حیات باشد ممکن است، عدم حضور و یا امتناع می‌تواند قرینه صحت سند تلقی شود. یعنی از امارات قضایی محسوب می‌شود و درجه اعتبار آن به نظر قاضی بستگی دارد. اگر اسناد تطبیق در اماکنی مانند سازمان‌های دولتی باشد، اصولاً باید آنها را در محل تطبیق بیاورند مگر به هر دلیلی مانند عدم مصلحت یا ... ممکن نباشد که در این صورت در محلی که این اسناد موجود می‌باشند تطبیق به

عمل می‌آید. ارجاع سند به کارشناس و مراجع صالحه در صورت احراز ضرورت توسط دادگاه ممکن می‌باشد. به ادعای جعل همراه با تعیین جاعل یکجا رسیدگی می‌شود. در مواردی که ادعای تردید، انکار و جعل همزمان صورت می‌گیرد فقط به ادعای جعل رسیدگی می‌شود. در مواردی که ابتدا ادعای انکار و تردید صورت می‌گیرد و سپس ادعای جعل مطرح شود صرفاً به ادعای جعل رسیدگی می‌شود همچنین در مواردی که ابتدا ادعای جعل مطرح و سپس اظهار انکار و تردید می‌شود دیگر به اظهار انکار و تردید اثری مترتب نمی‌شود. در مواردی که همراه با ادعای جعل یا اظهار انکار یا تردید ادعای ادای دین مطرح شود فقط به ادعای اخیر توجه خواهد شد.

### ج- گواهی

بکارگیری گواه می‌تواند برا اثبات دعوی باشد یا موثر در آن باشد البته با رعایت شرایط موجود در قانون آیین دادرسی مدنی.

شاهد کسی است که خبر از وقوع امری در گذشته یا حال را می‌دهد در صورتی که خبر او از روی علم و حس باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۸۹).

تعداد، جنسیت و ترکیب گواهان در دعاوی حقوقی در قانون آیین دادرسی مدنی ذکر شده است: در دعاوی غیر مالی: با گواهی دو مرد مگر در مورد اصل نکاح که با گواهی یک مرد و دو زن نیز اثبات خواهد شد.

در دعاوی مالی یا دعاوی که مقصود از آن مال می‌باشد: با گواهی دو مرد یا گواهی یک مرد و دو زن. اگر در دعاوی مالی امکان اقامه بینه شرعی نباشد می‌تواند با معرفی یک گواه مرد یا دو زن به ضمیمه یک سوگند ادعای خود را اثبات کند.

در دعاوی که مربوط به امور زنان است: با گواهی چهار زن یا دو مرد یا دو مرد و یک زن. استماع گواهی بر شهادت گواهی اصلی در موردی ممکن است که دعوا جنبه حق الناسی داشته باشد و به هر علتی گواه اصلی از حضور متعذر یا متعسر باشد. همچنین گواه اصلی باید واجد شرایط مقرر برای گواه و گواهی باشد.

طرف دعوا می‌تواند گواهان طرف مقابل را به صورت مدلل جرح کند. اگر پس از صدور رای مشخص شود که در هنگام ادای گواهی جهات جرح وجود داشته و از دادگاه مخفی مانده از موارد نقض حکم است اما اگر جهات جرح بعد از صدور رای حادث شود اعتباری در رای دادگاه ندارد. اصل بر این است که ادای گواهی باید به صورت انفرادی باشد و بعد از ادای آن می‌تواند از گواهان به صورت مجتمعا تحقیق نماید.

حرمت و مسیولیت ادای گواهی کذب باید به گواه خاطر نشان شود. گواه مکلف است قبل از ادای گواهی سوگند یاد کند که جز حقیقت چیزی نگوید اما اگر گواه تمایلی به ادای گواهی نداشته باشد الزام

به آن ممنوع است. برای رعایت آزادی گواهان در هنگام ادای گواهی اصحاب دعوا نباید حضور داشته باشند. طبیعتاً پس از ادای گواهی، بلافاصله اصحاب دعوا را از اظهارات گواه مطلع می‌سازند. اظهارات گواهان باید عیناً در صورت‌مجلس قید شود و به امضا یا اثر انگشت او برسد در غیر این صورت مراتب در صورت‌مجلس قید خواهد شد. دادگاه حق دخالت در نوع بیان گواهی را نخواهد داشت و فقط وظیفه ثبت و ضبط آن را خواهد داشت.

احضار گواه بنا به درخواست یکی از طرفین یا بنا به صلاحدید دادگاه انجام خواهد گرفت. احضار مقید به زمان است و اگر در موعد مقرر حضور نیابد دوباره احضار خواهد شد.

#### د- معاینه محل و تحقیق محلی

طریقه‌ای است که موجبات علم قاضی را به وسیله تحصیل معرفت شخصی در امور مختلف فیه فراهم می‌آورد. معاینه محل عبارت است از حاضر شدن دادرسی یا مامور دادگاه در محل وقوع اعیان و اراضی مورد اختلاف و لذا این طریقه اثبات دعوی در دعوی مربوط به حقوق غیرمنقول از قبیل دعوی حقوق ارتفاقی و امثال آن فرض دارد. (متین دفتری، ۱۳۹۴: ۳۳).

معاینه محل تنها در مواردی انجام می‌شود که موضوع بسیار ساده بوده و تشخیص آن مستلزم دانش ویژه‌ای که دادرسی نوعی از آن بی بهره است نباشد، در غیر این صورت، باید از کارشناس استفاده شود. (شمس، ۱۳۹۲: ۵۶).

تحقیق محلی ماهیتی مختلط دارد یعنی هم اخباری است و هم احرازی. در تمام ادله احرازی دادرسی می‌تواند هرگونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم باشد انجام دهد، در حالی که در امر اخباری دادرسی به واسطه اخبار دیگران حکم می‌کند و خود به احراز امری در خارج نمی‌پردازد. (کریمی، ۱۳۹۵)

صدور قرار معاینه و تحقیق محلی منوط به درخواست طرفین یا صلاحدید دادگاه می‌باشد. در هنگامی که یکی از طرفین به اطلاعات اهالی محل استناد می‌کند نیازی نیست اسامی آنها را نیز ذکر کند بلکه صرف درخواست به طور کلی کافی می‌باشد.

تفاوت بین اطلاعات اهل محل و گواهی این است که گواه خود مستقیماً شاهد روی داد یا حالت مورد ادعا بوده و یا مستقیماً سخن مورد ادعا را شنیده در حالی که اطلاعات اهل محل، مجموعه‌ای از دانستنی‌هایی است که از مجموعه دیده‌ها و شنیده‌ها مستقیم و غیرمستقیم و برداشت خود بیان می‌دارد. (شمس، ۱۳۹۲: ۲۲۵).

اجرای معاینه محل توسط دادرسان دادگاه یا قاضی تحقیق صورت می‌گیرد. جلسه اجرای تحقیق محلی جلسه دادرسی به مفهوم اعم است به همین جهت باید فاصله قانونی بین روز ابلاغ و روز اجرا رعایت شود. مطلعین مطابق مقررات جرح گواه قابل رد هستند.

اطلاعات حاصل از تحقیق و معاینه محل نمی تواند گواهی یا در حکم گواهی باشد بلکه از امارات قضایی هستند که می تواند موجب علم یا اطمینان قاضی باشد یا در آن موثر باشد. ضمانت اجرای وسیله اجرای قرار معاینه یا تحقیق محلی: در صورت عدم تهیه وسایل، موجب خروج آن از عداد دلایل می باشد. هزینه اجرای قرار که دادگاه راسا صادر کرده بر عهده خواهان آن دعوا است و در صورتی که بنا به درخواست یکی از اصحاب دعوا بوده، هزینه اجرا بر عهده درخواست کننده است. (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۷۸).

## ۵- کارشناسی

کارشناسی تحقیقی است که دادگاه، به منظور تمییز حق یا تمهید مقدمات آن، به عهده شخص صلاحیت داری به نام کارشناس می نهد و از او می خواهد که اطلاعات فنی یا حرفه ای لازم را که در دسترس دادگاه نیست در اختیار دادرس قرار دهد یا استنباط و اعتقاد خود را از قراین فنی و علمی بیان کند. (شمس، ۱۳۹۲: ۹۹).

ارجاع امر به کارشناس می تواند بنا به صلاحدید دادگاه یا درخواست یکی از طرفین باشد. کارشناسی امری دارای جنبه فنی و تخصصی است که دادرس نوعی، یعنی شخصی که دارای آگاهی های عمومی و دانش قضایی لازم متناسب است، توانایی تشخیص و ارزیابی آن را نداشته باشد. (شمس، ۱۳۹۲: ۲۳). موضوع مورد نظر کارشناسی و مدت معین برای آن باید در قرار دادگاه مشخص شود. کارشناس مورد وثوق توسط دادگاه معین می شود و در صورت تعدد به قید قرعه مشخص می گردد. در صورتی که کارشناس باید بیش از یک نفر باشد عده آنها باید فرد باشد تا در صورت اختلاف نظر، نظر اکثریت ملاک عمل قرار گیرد. اعتبار نظر اکثریت در صورتی است که کارشناسان از نظر تخصص با هم مساوی باشند. در عمل انتخاب بیش از یک کارشناس در مواردی است که دادگاه نظریه کارشناس را مردود اعلام نموده و دستور کارشناسی دوباره صادر می نماید، اگرچه در نوبت نخست نیز انتخاب هیات کارشناسان به دلالت ماده ۲۵۸ منع قانونی ندارد. (شمس، ۱۳۹۴: ۶۷).

تکلیف ایداع دستمزد کارشناسی با متقاضی کارشناسی است. وصول نظریه کارشناس پس اخطار به کارشناس انجام می شود وصول نظر کارشناسی به طرفین ابلاغ خواهد شد و طرفین نیز ظرف یک هفته مهلت دارند که به دفتر دادگاه ملاحظه و آن را دریافت و در صورت اعتراض، نسبت به اعتراض اقدام کنند.

کارشناس منتخب دادگاه اصولاً مکلف به قبول امر کارشناسی است مگر اینکه دارای عذر موجه باشد که در این صورت باید از قبل اعلام کند. البته تکلیفی به قبول کارشناسی از سوی ادارات و حتی عالی ترین مقامات نیز نیست. (شمس، ۱۳۸۷: ۵۵).

اگر مدت تعیینی برای امر کارشناسی کافی نباشد در اینصورت به درخواست کارشناس دادگاه مهلت مناسب دیگری تعیین و به طرفین اعلام می‌کند.

در صورتی که نظریه کارشناس طبق نظر دادگاه نیاز به تکمیل تحقیقات یا اخذ توضیح داشته باشد دادگاه به کارشناس اعلام خواهد کرد که در تاریخ معینی دوباره حضور پیدا کند و در صورت عدم حضور جلب خواهد شد.

در مواردی که نظریه کارشناسی ناقص می‌باشد، دادگاه امر کارشناسی را به همان کارناش یا کارشناس دیگر ارجاع خواهد داد. حق الزحمه کارشناس با کیفیت و کمیت کار باید متناسب باشد. ضرورت دارد که نظریه کارشناس با اوضاع و احوال مورد کارشناسی مطابقت داشته باشد وگرنه دادگاه به آن ترتیب اثر نخواهد داد.

در صورتی که کارشناسان در هنگام رسیدگی و مشاوره حاضر باشند اما از تقدیم نظریه خودداری کنند نظریه اکثریت سایر کارشناسان ملاک عمل قرار خواهد گرفت.

کارشناس در صورتی که در ارایه نظریه خود دچار تخلفی شود از این تخلف خسارتی به اطراف دعوی وارد شود دارای مسیولیت مدنی می‌باشد. این حق توسط قانون برای طرفین دعوی شناسایی شده است که به جای رجوع به کارشناس منتخب دادگاه به کارشناس مرضی الطرفین رجوع کنند منتها این امر باید قبل از اقدام کارشناسان منتخب دادگاه صورت گیرد. جالب توجه است که کارشناسی که طرفین با تراضی انتخاب می‌کنند می‌تواند شخصی غیر از کارشناس رسمی دادگستری باشد.

در هنگامی که اعطای نیابت در انتخاب کارشناس لازم باشد و طرفین نیز کارشناس مرضی الطرفین نداشته باشند دادگاه می‌تواند انتخاب کارشناس را به دادگاه نیابت دهنده واگذار کند.

## و- سوگند

سوگند زمانی مورد توجه قرار می‌گیرد که خواهان برای اثبات ادعای خویش هیچ دلیلی ندارد. سوگند هم در دعوی مای و هم غیر مالی مورد توجه قرار می‌گیرد. سوگند از سوی خواهان درخواست می‌شود و در صورت ادای سوگند توسط خوانده، ادعای خواهان از بین می‌رود و اگر خوانده سوگند را به خواهان رد کند و خواهان نیز سوگند را ادا کند ادعای خواهان اثبات می‌شود و در غیر اینصورت ادعایش ساقط می‌شود.

سوگند به سه نوع بتی، تکمیلی و استظهاری تقسیم می‌شود.

سوگند تکمیلی سوگندی است که در دعوی مالی مورد استفاده قرار می‌گیرد و زمانی مورد تمسک قرار می‌گیرد که ادله خواهان کامل نباشد. به طور مثال فقط یک مرد یا دو زن برای ادای گواهی حضور داشته باشند که در این صورت با سوگند مدعی در کنار ادای گواهی امر ادعا شده اثبات می‌گردد.



## ۱- سوگند استظهاری

زمانی مورد تمسک قرار می‌گیرد که دعوا بر علیه میت باشد و خواهان علی‌رغم ادله‌ای که دارد باید سوگندی نیز برای اثبات ادعای خود ادا کند. در دعاوی علیه میت اگر مستند دعوی سند رسمی باشد ادای سوگند لازم نیست.

## ۲- سوگند بتی

سوگندی است که به تنهایی ادعای خواهان را رد یا اثبات می‌کند و قاطع دعواست. تشریفات ادای سوگند باید رعایت گردد و در صورت نیاز به تغلیظ نیز باید رعایت گردد. ادای سوگند نیازمند درخواست طرفین دعواست و دادگاه نمی‌تواند به صلاحدید خود آن را اعمال کند و گرنه اثری نخواهد داشت. در صورتی که متقاضی سوگند از درخواست خود صرف‌نظر کند دعوا ساقط نمی‌گردد و دادگاه با توجه به سایر ادله به دعوی رسیدگی خواهد کرد.

## ۳- مدیریت اطلاعات دادرسی

اطلاعات دادرسی دو نوع از اطلاعات قانونی (حکمی) و اطلاعات واقعی (موضوعی) را در بر می‌گیرد که هر کدام در نظام خاص خود توافقی و تضالهی قرار می‌گیرند. مدیریت این اطلاعات در دست جستجوگر اصلی آن یعنی دادرس است.

## ۳-۱- مدیریت اطلاعات موضوعی دادرسی

روشن است که انتقال اطلاعات دادرسی جز در دو حالت امکان پذیر نیست یا به صورت افشاء است یا به صورت کشف. لیکن باید دانست افشاء یا کشف اطلاعات تنها در اطلاعات موضوعی در دعاوی مدنی وجود دارد. و در مورد اطلاعات حکمی شناسایی و انطباق صورت می‌گیرد. همچنین اطلاعات موضوعی به دو نوع اطلاعات اولیه و تکمیلی منقسم می‌گردد. در مدیریت اطلاعات موضوعی دو مسؤول وجود دارد مسؤول افشاء و مسؤول کنترل اطلاعات (حبیبی درگاه، ۱۳۹۲: ۲۵۲).

## ۳-۱-۱- اطلاعات موضوعی اولیه

خواسته دعوا همان اطلاعات موضوعی اولیه است که در حقیقت توصیف مقدماتی دعوا و شرایط و مفاد دعوا می‌باشد. دو سیستم در ارائه اطلاعات موضوعی اولیه وجود دارد نخست ارائه اطلاعات اولیه به صورت اختصاری و دوم ارائه اطلاعات اولیه به صورت تفصیلی. البته ناگفته نماند هر دو سیستم به اصل تسلط طرفین بر امور موضوعی به عنوان شاخه‌ای از اصل اقتصادی قراردادپذیری دادرسی مدنی نیز قائل هستند. قابل ذکر است که افشای اینگونه اطلاعات بر اساس ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ ایران که در شرایط دادخواست آمده است و خواهان را موظف به افشاء اطلاعات هویت‌یاصحاب

دعوا، منجز بودن خواسته و توصیف و ارائه ادله اثبات دعوی بنحو روشن و واضح می‌نماید. و ضمانت اجرای عدم افشاء اینگونه اطلاعات، رد فوری دادخواستی توقیف آن بنا به شرح مواد ۵۳ و ۵۴ می‌باشد. بر این اساس و ماده ۵۷ این قانون به نظر قانون ایران بر اصل توصیف تفصیلی قائل است. به هر صورت تشریح امور موضوعی در مراحل اولیه و کمک به دادرس در حل فصل دعوا قوانین دادرسی فراملی را نیز به این سو متمایل نموده که طرفین را مکلف به تشریح و بیان جزئیات امر موضوعی نمایند همانطور که در قوانین فرانسه و امریکه نیز مشاهده می‌گردد (حبیبی درگاه، ۱۳۹۲: ۲۵۳).

### ۳-۱-۲- اطلاعات موضوعی تکمیلی دادرسی

در سیستم ترافیکی یکی از طرفین برنده و دیگری بازنده و در حقیقت حذف خواهد شد اصحاب دعوا شکل دادرسی و جریان آن را ترسیم می‌کنند لیکن نقش دادرس انفعالی نبوده و پررنگ و فعال است این امر چه در قوانین ایران و چه در قوانین فرانسه به رسمیت شناخته شده است و با اینکه تسلط اصحاب دعوا بر خصوصاً خواهان بر ابعاد دعوا وجود دارد ولی به صراحت ماده ۱۹۹ دادرس می‌تواند در امور حقوقی علاوه بر رسیدگی به دلایل ارائه شده توسط اصحاب دعوا هر گونه اقدامی را که در کشف حقیقت مؤثر بداند انجام دهد. بنابراین دادرس ابتدا به اعتبار اطلاعات می‌پردازد و سپس به انتخاب اطلاعات واقعی و برتر دست می‌زند و اطلاعات سالم را مستند خویش قرار می‌دهد بنابراین گرچه توصیف مشارکتی در امور موضوعی حد مورد قبول در دادرسی ترافیکی می‌باشد لکن دادرس از خواسته خواهان نمی‌بایست انحراف مؤثر داشته باشد این انحراف زمانی مجاز است که دعوا از دادرسی ترافیکی به دادرسی تصالحو و سازش متمایل گردد (حبیبی درگاه، ۱۳۹۲: ۲۵۵).

### ۳-۲- مدیریت دلایل دادرسی

هدف ادله اثبات دعوا تضمین کشف حقیقت، گسترش قواعد حل اختلاف، تأمین آزادی افراد و منافع کلان اجتماعی است. هدف نخستین ادله اثبات دعوای مدنی، اندازه‌گیری و تحلیل قواعد دادرسی جهت یافتن معایب سیستم حقوقی و آسیب شناسی آن در راستای کاهش هزینه‌های فردی و اجتماعی است و هدف دوم استخدام بهترین قاعده از میان قواعد همعرض و جایگزین دیگر در راستای بهینه سازی و انعطاف پذیری دلایل حقوقی است (حبیبی درگاه، ۱۳۹۲: ۲۶۳).

### ۳-۲-۱- قاعده‌ی بهترین دلیل

نظام حقوقی کامن لو قائل به قاعده بهترین دلیل است. این قاعده حاوی دو موضوع می‌باشد. نخست قدرت اقناع کنندگی ادله در برابر ادله ساکت کننده هست که با محوریت قابل قبول یا قابل استماع بودن ادله استوار است. بالطبع توان دلیل و مهلت تهیه و ارائه آن بایستی توجیه حقوقی داشته باشد.

«در ارتباط با قدرت اقناع‌کنندگی دلیل، قانون ادله اثبات امریکا به سه مسأله محوری تناسب ادله قابل اعتماد و اطمینان بودن ادله و محدودیت‌های قانونی توجه دارد. بر این اساس قاعده تناسب ادله یا مرتبط بودن ادله از حداقل اقناع لازم بوسیله یک استدلال منطقی است. در تحلیل ادله اثبات به رویکرد اخلاقی ادله نیز توجه می‌شود بنابراین احصاء ادله و شخص ذنبفع در خصوص تحصیل دلیل و برشمردن محدودیت‌های تحصیل دلیل توأمان مؤثر در این مقوله است. اثر محدودیت قانونی به غیر از اطمینان و قابل استناد بودن ادله، رهیافت پیشگیرانه آن می‌باشد. لذا گرچه که نقش ادله اثبات در راستای کشف حقیقت امور مورد ادعا هست، لکن کشف حقیقت باید تعریف شده، قانونی و دارای مشروعیت باشد (حبیبی درگاه، ۱۳۹۲: ۲۷۰).

موضوع بعدی در مورد فروض قانونی و انتقال بهینه بار اثبات دلایل است از جمله چالش‌های ادله اثبات "جستجوی ادله" و تخصیص هزینه‌های ناشی از آن است. در جهت درونی کردن هزینه‌ها می‌تواند فروض قانونی و انتقال بار اثبات دعوا در دعاوی مدنی باشد.

### ۳-۲-۲- زمان دادرسی

یکی از معیارهای ارزیابی کیفیت دادرسی، زمان صرف شده است که حد ایمنی و حساسیت دعوا نیز در گرو آن است. معیاری که مبنای کارایی یا عدم کارایی که تعیین‌کننده بازدهی یا عدم آن در آراء دادرسی حقوق شکلی می‌باشند، تلقی می‌گردد. معیار زمان هم در شکل‌گیری حقوق و قواعد آن عنصری طلایی به حساب می‌آید و هم در مرحله اعمال و اجرای قواعد حقوقی نقشی بنیادین و کارا دارد. بنابراین زمان، سرمایه اصیل حقوقی است و تأثیر آن به اندازه‌ای است که گاهی به حقوق شکلی، حقوق مواعد و مهلت‌ها نیز طلاق می‌شود (الماسی، حبیبی درگاه، ۱۳۹۱).

زمان دادرسی از دو منظر قابل بررسی است. نخست: اطاله دادرسی و راه‌های برون رفت از آن جهت تأمین صدور آراء مؤثر که باعث خشنودی و آرامش ذی حق در کنار قدرت اقناع‌کنندگی آن است، می‌باشد و دوم: زمان دایر مدار استاندارد سازی و زمان بندی رسیدگی به پرونده‌های حقوقی و، در واقع، حداکثر زمان مصروف نسبت به یک پرونده (الگوی کار سنجی) است.

«یکی از شاخص‌های مهم عقلانیت گرا بودن دادرسی در گرو کنترل زمان دادرسی است. از جمله ابزارهای کنترل زمان دادرسی را می‌توان رویکرد تقنینی، قضایی و قراردادی ذکر نمود. بنابراین تسریع معقول در فرآیند دادرسی (استانداردسازی زمان دادرسی) در معیت استاندارد سازی کیفی دادرسی (حد دقت حداکثری) لازمه اصل عقلانیت حداکثری در دادرسی است. راهکارهای گوناگون جهت رسیدن به زمان استاندارد در دادرسی از سوی قانون‌گذاران و دکترین حقوقی پیشنهاد شده است که در ادامه تبیین می‌گردند» (الماسی، حبیبی، ۱۳۹۱).

### ۳-۲-۱- زمان مفید (نوعی)

زمانی که در دادگاه به منظور حل اختلافات صرف می‌گردد زمان مفید نام دارد. در ذخیره زمان مفید عوامل متعددی از جمله عوامل نرم افزاری و سخت افزاری دخالت دارند. نمودهای زمان مفید شامل مدیریت دعوا توسط دادرس در ارزیابی ادله، استماع اظهارات و دفاعیات طرفین، جهت دهی به آیین رسیدگی و پیش برد دعواست (الماسی، حبیبی، ۱۳۹۱).

### ۳-۲-۲- زمان بهینه (شخصی)

این نوع زمان دربردارنده مواعید قانونی و قضایی بوده و از یک پرونده به پرونده دیگری متفاوت است. هر پرونده به فراخور پیچیدگی‌های خود از زمان مخصوص برخوردار است. این عنوان به این دلیل شخصی هم گفته می‌شود که خاص همان پرونده است بطور مثال زمان در یک پرونده تجاری با یک پرونده خانوادگی تفاوت دارد.

### ۳-۲-۳- زمان قراردادی (قابل پیش‌بینی)

«به قراردادی نمودن دادرسی و آیین آن، زمان قابل پیش‌بینی گویند. این زمان برآمده از تأثر سیستم قضایی رسمی از جنبش خصوصی سازی دادرسی و شیوه‌های حل اختلاف جایگزین است. در زمان قابل پیش‌بینی طرفین و دادرس دادگاه نسبت به یک برنامه زمانی وافق می‌نمایند که طی آن هر کدام از اقدامات حقوقی دارای زمان و تاریخ معینی می‌باشد. بنابراین اندازه‌گیری زمان با رضایت و توافق طرفین و دادرس دادگاه (به عنوان بازیگران دادرسی) تعیین شده و از طرح تا ختم و اجرای دادرسی بایستی از برنامه زمانی دادرسی تبعیت شود. به نظر می‌رسد که با توجه به مصادیقی از قبیل "توافق مکتوب طرفین به قطعی بودن رأی بدوی"، "امکان ارجاع اختلاف به داوری" و... می‌توان صرفاً در اختلافات حقوقی و نه کیفری، قائل به مینا داشتن زمان قابل پیش‌بینی در حقوق ایران بود. در فرانسه و در راستای قراردادی کردن دادرسی، تصویب‌نامه شماره ۱۶۷۸-۲۰۰۵ مورخ ۲۸ دسامبر ۲۰۰۵ رویه‌ای را قانونی کرده است که به آن قراردادی کردن آیین دادرسی می‌گویند. به تعبیر بندهای ۴، ۳ و ۵ ماده ۷۶۴ آیین دادرسی مدنی این کشور، قاضی آماده ساز پرونده می‌تواند پس از توافق وکلای طرفین، تقویم آماده ساختن پرونده را تعیین کند. این تقویم شامل تعداد و زمان‌های تبادل لوابح و زمان ختم می‌شود و طرفین و دادرس را ملزم به رعایت می‌کند (الماسی، حبیبی: ۱۳۹۱).

### نتیجه‌گیری

با توجه به تحلیل ارائه شده در مورد مقررات مربوط به ادله اثبات دعوی در حقوق ایران، می‌توان نتیجه گرفت که این مقررات به دو بخش ماهوی و شکلی تقسیم شده‌اند. قانون مدنی به عنوان منبع اصلی

برای مقررات ماهوی و قانون آیین دادرسی مدنی برای مقررات شکلی در این زمینه مورد استفاده قرار می‌گیرد. در قانون مدنی، دلایل اثبات دعوا از اقرار، اسناد کتبی، شهادت، امارات و قسم تشکیل شده و بار اثبات دعوا بستگی به نوع دعوی مطرح شده دارد. همچنین، اقرار به عنوان یکی از دلایل ویژه مثبت حق در دعوی حقوقی تعریف شده و اهمیت آن به عنوان یک ابزار اثبات قائل شده است. بنابراین، با توجه به مقررات و اصول مطرح شده، مدعی باید با استفاده از منابع و ادله مناسب، حق خود را اثبات کند و بار اثبات دعوا بستگی به نوع دعوی مطرح شده و نقش طرفان دعوا دارد. همچنین، اقرار به عنوان یک دلیل ویژه مثبت حق در دعوی حقوقی تأکید شده و اهمیت آن در رسیدگی به پرونده‌ها و صدور حکم‌های عادلانه تأکید شده است. در همین خصوص مدیریت اطلاعات دادرسی، دو نوع اطلاعات، قانونی و واقعی، را در بر می‌گیرد که هر کدام در نظام خود توافقی و تصالحی قرار می‌گیرند. مدیریت این اطلاعات در دست دادرسی به عنوان جستجوگر اصلی آن است. اطلاعات واقعی به دو دسته اطلاعات اولیه و تکمیلی تقسیم می‌شوند و دو مسئول برای مدیریت اطلاعات واقعی وجود دارند. در مدیریت دلایل دادرسی، هدف اصلی ادله اثبات دعوا تأمین کشف حقیقت و گسترش قواعد حل اختلاف است. از آنجا که قاعده بهترین دلیل در نظام حقوقی کامن لو تأکید شده است، انتخاب و استفاده از بهترین دلیل برای اثبات دعوا و بهبود سیستم حقوقی بسیار اهمیت دارد. به طور کلی، مدیریت اطلاعات و دلایل دادرسی با هدف تضمین کشف حقیقت، حفظ منافع اجتماعی و بهینه‌سازی فرآیندهای حقوقی انجام می‌شود.

## منابع

۱. الماسی، نجادعلی، حبیبی درگاه، بهنام، (۱۳۹۱). درآمدی بر کیفیت دادرسی در فرآیند دادرسی کارآمد. دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۵۸.
۲. امامی، حسن. (۱۳۷۸). حقوق مدنی. تهران، قائمیه.
۳. حبیبی درگاه، بهنام، (۱۳۹۲). حقوق و اقتصاد (آیین اداری مدنی). تهران، جنگل.
۴. \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۳۹۱). درآمدی بر کیفیت دادرسی کارآمد. دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۵۸.
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۷). ترمیمولوژی حقوق. تهران گنج دانش.
۶. شمس، عبدالله. (۱۳۸۷). ادله اثبات دعوی. تهران، دراک.
۷. \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۳۹۴). آیین دادرسی مدنی بنیادین ج ۴. تهران، دراک.
۸. \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۳۹۲). آیین دادرسی مدنی پیشرفته ج ۲. تهران، دراک.
۹. \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۳۸۷). ادله اثبات دعوی، حقوق ماهوی و شکلی. تهران، دراک.
۱۰. صالح احمدی، سعید. (۱۳۹۴). ادله اثبات دعوا در نظم حقوق کنونی. تهران، گام حق.
۱۱. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۲). اثبات و دلیل اثبات. ج ۱ تهران، میزان.
۱۲. \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۳۹۵). اثبات و دلیل اثبات. ج ۱ تهران، میزان.

۱۳. \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_.(۱۳۹۴). قانون مدنی در نظم کنونی. تهران، میزان.
۱۴. کریمی، عباس، پرتو، حمیدرضا. (۱۳۹۵). آیین دادرسی مدنی ج ۲. تهران دادگستر.



# *Analysis of the regulations governing the proof of claims and management of proceedings in Iranian laws*

*Reza Yousefzadeh* \*  
*Ali Zare* \*\*

## **Abstract**

As one of the most important legal departments, the regulations governing the proofs of the lawsuit and the management of proceedings are very important for the implementation of justice and the protection of the rights of individuals. These regulations have been provided by the legislator in order to guarantee the rights and obligations of individuals and must be implemented carefully and in accordance with legal principles and justice. The types of reasons in the civil procedure law include incidental reasons, legal and moral reasons, direct and indirect reasons. According to the civil procedure law, the use of evidence to prove the claim by the claimant or defend the claim by the defendant has a special meaning. The rules that are used to prove claims in foreign events such as lineage are different from the rules that are used to prove contracts, events and obligations. In the first case (external events), it is subject to the law that is enforceable at the time of filing a lawsuit, and in the second case, it is basically subject to the time of conclusion, unless the law of the time of conclusion at the time of filing a lawsuit is of Sharia evidence that is not enforceable, or otherwise in The law is specified. Proceedings information includes legal information (judgment) and factual information (thematic), each of which is placed in a special arbitration and reconciliation system. The management of this information is the responsibility of the judge.

## **Keywords**

*Evidence to prove the case, management of proceedings, grounds of proceedings, fair proceedings.*

---

\* Master's student in Private Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, Email: Reza\_lawman@yahoo.com

\*\* Faculty member and assistant professor, Department of Private Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding author): dr.alizare@gmail.com